

کاربرد روش تحلیل فراگیر داده‌ها در تحلیل رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه ایران

ابراهیم زارع^{۱*}، امیرحسین چیذری^۲ و غلامرضا پیکانی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۴/۱۰)

چکیده

با به کارگیری شاخص مالم کوئیست و با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲-۸۰ محاسبه شده است. با تجزیه این شاخص به دو اثر تغییر در تکنولوژی و افزایش کارایی فنی، دو عامل عمده رشد بهره‌وری در تولید پنبه تحلیل گردیده است. داده‌های مورد نیاز از بانک هزینه تولید و سایر منابع آماری وزارت جهاد کشاورزی گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهند که متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه ایران در کل دوره مثبت ولی کم (۰/۸ درصد در سال) بوده است، این رقم در استان‌های مختلف متفاوت بوده، به طوری که استان فارس بالاترین رقم را به میزان ۶/۲ درصد در سال داشته و در استان‌های کرمان، مازندران و گلستان رشد منفی بوده است. در مقایسه بین رشد کارایی و رشد تکنولوژی، در کل دوره و برای کل کشور متوسط رشد کارایی فنی، بیشتر بوده است.

واژه‌های کلیدی: رشد بهره‌وری، شاخص مالم کوئیست، پنبه، ایران

مقدمه

در نتیجه توان بخش کشاورزی را در رقابت با سایر بخش‌های اقتصادی و بازارهای جهانی افزایش می‌دهد (۴). رشد بهره‌وری کل عوامل تولید قابل تجزیه به اثراتی چون اثر تغییر در مقیاس تولید، کارایی فنی و بهبود تکنولوژی بوده و می‌تواند راهنمای مناسبی برای سیاستگذاران بخش کشاورزی در شناخت ضعف‌ها و تنگناهای تولید باشد (۱۷ و ۱۸). در ایران به رغم پیشینه طولانی عضویت در سازمان بهره‌وری آسیا مطالعات چندانی در زمینه اندازه‌گیری رشد بهره‌وری به ویژه در بخش کشاورزی انجام نشده است در مطالعات انجام شده نیز بیشتر

رشد بهره‌وری از فاکتورهای لازم برای رشد مداوم اقتصاد ملی هر کشور است، به طوری که بیش از نیمی از رشد تولید در اقتصادهای پیشرفته از طریق افزایش بهره‌وری تأمین می‌شود (۴). رشد بهره‌وری به صورت تفاوت بین رشد ستانده و رشد نهاده‌های مصرف شده تعریف می‌شود و در شرایط محدودیت عوامل تولید مانند آب و خاک مهم‌ترین شیوه برای افزایش تولید در بخش کشاورزی است. افزایش بهره‌وری به مفهوم کاهش هزینه هر واحد محصول و قیمت تمام شده آن بوده و

۱. دانشجوی سابق دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران و در حال حاضر عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس

۲. استادیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۳. استادیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: zare2970@farsagres.ir

فراهم نمود. نیل به این هدف هنگامی امکان پذیر است که اثر سیاست‌ها و نیز وضعیت موجود در سال‌های گذشته روش‌شده و برنامه‌های جدیدی تدوین گردد.

در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها و به کارگیری شاخص مالم کوئیست (Malmquist index) (۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷) رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنbe ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲-۸۰ محاسبه شده است. با تجزیه این شاخص به دو اثر تغییر در تکنولوژی و افزایش کارایی فنی، دو عامل عمده رشد بهره‌وری در تولید پنbe تحلیل شده‌اند. با توجه به سیاست‌های اعمال شده در زمینه تولید و تجارت پنbe، دوره مطالعه به زیر دوره‌هایی تقسیم و تأثیراتن سیاست‌ها بر رشد بهره‌وری تحلیل شده است. فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر بوده‌اند:

۱. بهره‌وری کل عوامل در تولید پنbe طی سال‌های مطالعه افزایش یافته است.
۲. بهبود تکنولوژی سهم اصلی را در رشد بهره‌وری کل عوامل در تولید پنbe داشته و رشد کارایی فنی در دوره مورد بررسی پایین بوده است.
۳. سیاست‌های کنترل بازار پنbe بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر بهره‌وری کل عوامل تولید اثر منفی داشته است.

در خارج کشور مطالعات متعددی در مورد رشد بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی با استفاده از شاخص مالم کوئیست انجام شده است. ولی در مطالعات داخلی بیشتر از روش‌های پارامتریک نظری برآوردن تابع تولید یا تابع هزینه، (۵، ۶ و ۸) و یا غیر پارامتریک نظری شاخص عددی تورنکویست (۳) برای محاسبه بهره‌وری جزئی (PP)(Partial Productivity) یا کل عوامل تولید (TFP) در بخش کشاورزی یا زیربخش‌های آن و یا یک محصول، استفاده شده است. کوپاهی و کاظم نژاد (۶) با استفاده از داده‌های مقطعی بهره‌وری متوسط و نهایی عوامل تولید چای را با استفاده از تابع تولید متعالی برآورد و نتیجه گرفته‌اند که بهره‌وری عوامل تولید پایین بوده و امکان کاهش هزینه تولید و افزایش سود چایکاران از طریق بهبود بهره‌وری وجود دارد. مهرابی بشرآبادی و

بهره‌وری جزئی عوامل تولید مورد توجه بوده است (۴). پنbe از منابع اصلی تأمین الیاف و روغن و کنجاله آن یک ماده غذایی با ارزش در دامداری است، از وش پنbe ۳۷ نوع محصول صنعتی قابل استحصال است. بر اساس آمار وزارت صنایع ۱۰۲ کارخانه پنbe پاک کنی، ۲۳۰ کارخانه روغن کشی، ۱۴۶ کارخانه رسندگی و تعداد زیادی کارگاه کوچک بافنده‌گی در کشور فعالیت دارند که به تولید پنbe وابستگی دارند (۷). در بخش کشاورزی پنbe از جمله محصولات کاربری است که ۳ هکتار آن توانایی ایجاد یک سال - نفر اشتغال را دارد علاوه بر این پنbe در سالیان گذشته به عنوان یک محصول صادراتی نقش مهمی در تامین ارز برای کشور داشته است.

در سال زراعی ۱۳۸۰-۸۱ پنbe با سطح زیرکشت کل ۱۵۱۲۲۲ هکتاریه ترتیب شامل ۱۴۵۲۳۶ هکتار اراضی آبی و ۵۹۸۶ هکتار اراضی دیم دارای رتبه هشتم در بین محصولات زراعی و رتبه ششم در بین محصولات زراعی آبی بوده و در ۱۹ استان کشور تولید می‌شود که ازین آنها استان‌های خراسان با، ۴۰، گلستان با، ۱۸۱، اردبیل با، ۱۲، فارس با، ۹/۵، مازندران با، ۲/۸، سمنان با، ۴ و قم با، ۴/۹ درصد در مجموع ۹۱/۲ درصد سطح زیرکشت را به خود اختصاص داده‌اند (۲).

آمارهای مربوط به دوره ۱۳۶۰-۸۰، حاکی از نوسان در سطح زیرکشت و تولید پنbe است. عملکرد وش از ۱۳۵۵ کیلوگرم در سال ۱۳۶۰ به ۱۸۹۰ کیلوگرم در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته و لی پس از آن با رکود مواجه شده است، به طوری که در فاصله ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۰ عملکرد وش در حدود ۲۰۰۰ کیلوگرم ثابت مانده است. افزایش عملکرد از دو طریق مصرف بیشتر نهاده‌ها یا افزایش بهره‌وری عوامل تولید، ناشی از بهبود کارایی فنی یا کاربرد تکنولوژی نوین، متصور است. ثبات نسبی عملکرد در این دوره نشان می‌دهد که در تولید پنbe این شاخص‌ها روند مشتبی نداشته‌اند. با افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌توان هزینه تولید را کاهش و یا عملکرد محصول را افزایش داد و با کاهش قیمت تمام شده امکان رقابت و انگیزه تولید را برای پنbe کاران داخلی در مقایسه با تولید کنندگان سایر کشورها و یا محصولات رقیب

در صد رشد بهره‌وری کل عوامل تولید رتبه ۳۷ را بین این ۹۷ کشور داشته، تجزیه نتایج نشان داد که سهم اصلی در رشد این شاخص مربوط به تغییرات تکنولوژی است. کولبی و همکاران (۱۱) منابع رشد تولید و عرضه چهار غله برنج، گندم، ذرت و سویا را در فاصله سال‌های ۱۹۷۸-۹۷ برای کشور چین برآورد کرده‌اند. نتایج حاکی از مساعدت بالای رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد غلات در دوره بعد از اعلام اصلاحات اقتصادی در بخش روستایی چین است ضمن این‌که به‌دلیل افزایش مصرف نهاده‌ها در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ این سهم کاهش یافته است. همچنین اثر سیاست آزادسازی صنعت گاوداری شیری هند با استفاده از روش مالم کوئیست مطالعه شده است. داده‌ها مربوط به ۱۳ تعاونی دامداری در فاصله سال‌های ۱۹۹۲-۹۳ تا ۱۹۹۶-۹۷ در ایالت هاریانای و پنجاب است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، متوسط بهره‌وری در این دوره کاهش یافته و نشان می‌دهد که سیاست آزادسازی به تنها یک قدر به افزایش بهره‌وری این واحدان نبوده است. نی‌گم و کوئلی (۱۷) با استفاده از داده‌های منطقه‌ای تولید برنج در ویتنام، در فاصله سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۷، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در ۸ ایالت را محاسبه کرده‌اند، در این تحقیق از شاخص مالم کوئیست استفاده شده است. نتایج حاکی از رشد سالانه ۳/۳ تا ۳/۵ در صد رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در تولید برنج است. لال و همکاران (۱۶) با استفاده از شاخص مالم کوئیست رشد بهره‌وری در ۳۰ کشور غرب اقیانوس اطلس در دوره ۱۹۷۸-۹۴ را محاسبه و آن را به دو عامل تغییر در کارایی فنی و تکنولوژی تقسیم کرده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، میانگین رشد بهره‌وری در امریکای شمالی ۱/۰۱۹، در کشورهای امریکای لاتین ۰/۹۹۷ و حوزه کارائیب ۰/۹۸۶ بوده است. بررسی‌ها نشان داد، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید رابطه مستقیم با وضعیت، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها دارد. کراس چت (۱۵) اثر تبدیل اراضی جنگلی بر تغییر بهره‌وری بخش کشاورزی تایلند در فاصله سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۴ را با استفاده از شاخص مالم کوئیست بررسی، و رشد بهره‌وری را

موسی‌نژاد (۹) بهره‌وری نهایی و متوسط عوامل تولید با غداران پسته رفسنجان را برآورد کرده‌اند. بر اساس نتایج حاصله دامنه بهره‌وری در زارعین متفاوت بوده و برای برخی منفی می‌باشد. حیدری (۳) با استفاده از آمارسال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳ ۱۳ شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) گندم در استان مرکزی را با استفاده از شاخص مقداری تورنکویست محاسبه کرده است. نتایج نشان داده که رشد بهره‌وری عوامل تولید در این استان مطلوب نبوده و آن را ناشی از رشد ناکافی قیمت گندم بعد از سیاست‌های آزاد سازی دانسته‌اند. سلامی و شاهنشوی (۵) در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۷۲ نسبت بهره‌وری عوامل تولید کشاورزی را مطالعه و نتیجه گرفته‌اند که بهره‌وری عوامل تولید در کشاورزی بیشتر از صنعت بوده است. فریاد رس و همکاران (۸) با استفاده از روش تحلیل فرآگیر داده‌ها کارایی فنی، تخصیصی و اقتصادی پنبه کاران ایران را برای سال زراعی ۱۳۷۶-۷۷ برآورد کرده و نتیجه گرفته‌اند که در این سال سطح کارایی مدیریتی و فنی پنبه کاران در بیشتر استان‌ها بالا بوده است ولی سطح کارایی تخصیصی و اقتصادی پایین است. ایشان به تفاوت نتایج در استان‌ها اشاره کرده و بهبود تکنولوژی را برای افزایش تولید پنبه ایران توصیه کرده‌اند.

با استفاده از شاخص مالم کوئیست منابع رشد بهره‌وری برای بخش کشاورزی چین را برآورد شده است. داده‌های مورد استفاده مربوط به ۶۴ شهرستان در استان جیانگ سو (Jiangsu) در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۹۵ بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۹۵ سالانه ۷/۸ در صد رشد داشته، تجزیه رشد بهره‌وری به دو فاکتور حاکی از رشد سریع تکنولوژی و کاهش جزیی در کارایی فنی است. رائو و کوئلی (۱۸) با استفاده از شاخص مالم کوئیست سطح وروند تولید و بهره‌وری بخش کشاورزی در ۹۷ کشور در حال توسعه و توسعه یافته جهان از جمله ایران را با استفاده از داده‌های سازمان خواربارو کشاورزی ملل متحد (FAO) برآورد کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در این دوره یوگسلاوی بالاترین میانگین رشد بهره‌وری را در بین کشورهای مختلف داشته و ایران با ۱/۸

برای محاسبه رشد بهره‌وری کل دو روش پارامتری (اقتصادسنجی) و غیرپارامتریک پیشنهاد شده است. در روش پارامتری، رشد بهره‌وری بر اساس تکنیک‌های اقتصاد سنجی و برآورد تابع تولید، تابع هزینه همراه با تابع تولید، تابع عرضه محصول و تقاضای نهاده‌های همراه با تابع سود، برآورد می‌شود (۱). در روش‌های غیر پارامتریک از یک عدد شاخص یا برنامه ریزی ریاضی استفاده می‌شود (۴ و ۳). در روش برنامه‌ریزی ریاضی، شاخص رشد بهره‌وری بر اساس تابع فاصله (Distance function) بنا شده و با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها محاسبه می‌گردد. شاخص به دست آمده مالم کوئیست نام دارد و از مزایای زیر برخوردار است:

۱. بر اساس مقادیر داده‌ها ساخته شده و مشکلات تهیه آمار و اطلاعات قیمت‌ها در محاسبه آن محدودیتی ایجاد نمی‌کند.
۲. به دلیل عدم نیاز به برآوردهای اقتصادسنجی و عدم لزوم انطباق آن بر یک فرم تابعی خاص از محدودیت‌های تکنیکی و آماری، که معمولاً در این روش‌ها بروز می‌کند، مبربی است.

شفرد (۱۹) تابع فاصله‌ای محصول را با تکنولوژی رایج در زمان t برای مجموعه محصول (x_t) P_t به صورت زیر تعریف می‌کند.

$$d^t(x_t, y_t) = \inf \left\{ \theta : \frac{Y_t}{\theta} \in P_t(X_t) \right\} \quad [1]$$

در این رابطه θ یک کمیت اسکالار و نشان دهنده فاصله تولید واقعی از تولید مرزی است. اگر θ حداقل گردد عبارت $\frac{y}{\theta}$ ماقریزم خواهد شد. بنابراین تابع فاصله حداقل تولید ممکن را در یک سطح مشخص از مصرف نهاده‌ها، اندازه‌گیری کرده و نشان دهنده کارایی فنی است.

چنانچه دو دوره زمانی s, t را در نظر بگیریم می‌توان تابع مسافت را برای زمان s نیز به طور مشابه تعریف نمود. تغییر بهره‌وری به وسیله شاخص مالم کوئیست (Malmquist productivity index (MPI)) بین دوزمان s, t با توجه به تکنولوژی رایج در زمان t ، به صورت زیر تعریف می‌شود (۱۶ و ۱۳).

به دو بخش تغییر در کارایی فنی و تغییر تکنولوژی تجزیه نموده است. نهاده‌های مورد نظر شامل کودشیمیابی، کارگر دستمزدی، سرمایه، کارگرخانوار و زمین بوده است. نتایج نشان می‌دهد که به استثنای منطقه مرکزی در ۳ منطقه دیگر تغییرات بهره‌وری کل عوامل تولید در دوره مطالعه کاهنده بوده است این وضعیت در مورد تغییر تکنولوژی نیز وجود داشته است. ضمن این که کارایی فنی نیز تغییری نداشته است. تیمر و لاس (۲۰) با استفاده از داده‌های سری زمانی سال ۱۹۷۰ الى ۱۹۹۲ تغییر در مرز تولید برای ۴۰ کشور شامل ۲۳ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا (Organization for Economic Co-operation and Development) ۲۳ کشور با درآمد متوسط و ۱۰ کشور با درآمد پایین را با روش مالم کوئیست تعیین کرده‌اند، متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی (GDP) در دو بخش کشاورزی و صنعت و متغیر مستقل تعداد نیروی کار در این دو بخش بوده است. نتایج نشان داد که تغییر در مرز تولید رابطه مستقیم با میزان سرمایه گذاری دارد، این موضوع در بخش کشاورزی بیشتر به چشم می‌خورد.

مواد و روش‌ها

رشد بهره‌وری به صورت تفاوت بین رشد ستانده و رشد نهاده‌های مصرف شده در طول زمان، تعریف می‌شود (۴). بهره‌وری به دو صورت بهره‌وری جزئی و بهره‌وری کل عوامل تولید قابل محاسبه است. بهره‌وری جزئی برابر است با ستانده حاصل از یک واحد نهاده در یک زمان، اشکال استفاده از این شاخص در تحلیل بهره‌وری یک بنگاه آن است که آثار دیگر عوامل در فرایند تولید نادیده گرفته می‌شود و تغییرات ایجاد شده در سایر نهاده‌ها را به حساب یک نهاده خاص می‌گذارد. ولی بهره‌وری کل، با توجه به این واقعیت که همه عوامل تولید از نظر اقتصادی کمیاب‌اند، شاخصی است که ثمربخشی نسبی یک مجموعه از نهاده‌ها را در تولید یک یا مجموعه‌ای از محصولات برای حالات مختلف تکنولوژی محاسبه کرده و بهبود نسبی عملکرد بخش یا واحد تولیدی را در طول زمان نشان می‌دهد (۴ و ۱۷).

(LP) از مدل برنامه‌ریزی خطی (linear programming (LP)) استفاده می‌شود. فرض می‌کنیم M, N, K , T به ترتیب نشان دهنده تعداد کل بنگاه‌ها، نهاده‌ها، محصولات و زمان باشد. φ یک اسکالر است که گسترش نسبی بردار محصول را در شرایط نهاده‌های موجود نشان می‌دهد. $\lambda = [\lambda_1, \lambda_2, \dots, \lambda_k]$ یک بردار از اعداد ثابت است که نشان دهنده میزان مشارکت یک محصول خاص در ایجاد مرز تولید است. اگر X_{it}, Y_{it} به ترتیب نشان دهنده یک بردار $(m \times 1)$ از محصول و یک بردار $(n \times 1)$ از نهاده‌ها در زمان t باشد $Y_t = (1, 2, \dots, T)$ به ترتیب نشان دهنده یک ماتریس (M^*K) از محصولات و (N^*K) از نهاده‌ها در زمان t هستند که دربرگیرنده اطلاعات مربوط به کل بنگاه‌ها در زمان t است. برای محاسبه MPI در هر بنگاه ۴ مدل LP به شرح زیر لازم است (۱۶):

$$\begin{aligned} \left[d^t(y_{it}, x_{it}) \right]^{-1} &= \max_{\varphi, \lambda} \varphi \\ \text{subject to (s.t.)} \end{aligned} \quad [6]$$

$$\begin{aligned} -\varphi y_{it} + Y_t \lambda &\geq 0 \\ x_{it} - X_t \lambda &\geq 0 \\ \lambda &\geq 0 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \left[d^s(y_{is}, x_{is}) \right]^{-1} &= \max_{\varphi, \lambda} \varphi \\ \text{s.t.:} \end{aligned} \quad [7]$$

$$\begin{aligned} -\varphi y_{is} + Y_s \lambda &\geq 0 \\ x_{is} - X_s \lambda &\geq 0 \\ \lambda &\geq 0 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \left[d^t(y_{is}, x_{is}) \right]^{-1} &= \max_{\varphi, \lambda} \varphi \\ \text{s.t.:} \end{aligned} \quad [8]$$

$$\begin{aligned} -\varphi y_{is} + Y_t \lambda &\geq 0 \\ x_{is} - X_t \lambda &\geq 0 \\ \lambda &\geq 0 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \left[d^s(y_{it}, x_{it}) \right]^{-1} &= \max_{\varphi, \lambda} \varphi \\ \text{s.t.:} \end{aligned} \quad [9]$$

$$\begin{aligned} -\varphi y_{it} + Y_s \lambda &\geq 0 \\ x_{it} - X_s \lambda &\geq 0 \\ \lambda &\geq 0 \end{aligned}$$

معادلات ۶ و ۷ کارایی فنی مشاهده آن را در سال s, t اندازه‌گیری می‌کنند. s و t نشان دهنده دو مقطع زمانی متفاوت است که در این تحقیق یک سال باهم فاصله دارند. در معادلات

$$M^t(y_t, y_s, x_t, x_s) = \frac{d^t(x_t, y_t)}{d^t(x_s, y_s)} \quad [2]$$

به طور مشابه شاخص مالم کوئیست با استفاده از تکنولوژی زمان S عبارت است از

$$M^s(y_t, y_s, x_t, x_s) = \frac{d^s(x_t, y_t)}{d^s(x_s, y_s)} \quad [3]$$

فار و همکاران (۱۳) به منظور جلوگیری از انتخاب دلخواهانه دوره زمانی، میانگین هندسی دو معادله شماره ۲ و ۳ را به صورت زیر تعریف کردند:

$$M^*(y_s, y_t, x_s, x_t) = \left[\frac{d^s(y_t, x_t)}{d^s(y_s, x_s)} \times \frac{d^t(y_t, x_t)}{d^t(y_s, x_s)} \right]^{\frac{1}{2}} \quad [4]$$

در رابطه ۴، $d^s(y_t, x_t)$ نشان دهنده فاصله مشاهدات زمان t از مشاهدات زمان s با استفاده از تکنولوژی زمان s, x, y به M علامت شاخص مالم کوئیست است. تعریف مشابه برای $d^t(y_s, x_s)$ نیز قابل ارائه می‌باشد. چنانچه مقدار M^* بزرگ‌تر از یک باشد بهره‌وری کل عوامل در فاصله دوره s تا t افزایش و چنانچه مقدار آن کوچک‌تر از یک باشد، کاهش یافته است. از اشکالات معادله شماره ۴ این است که تغییر در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید را، که مجموعه‌ای از تغییرات در تکنولوژی، مقیاس تولید و کارایی فنی است، به صورت یک عدد نشان می‌دهد (۱۲). فار و همکاران (۱۴) برای رفع این نقصیه نشان دادند که رابطه زیر با معادله ۴ برابر است:

$$M^*(y_s, y_t, x_s, x_t) = \frac{d^t(y_t, x_t)}{d^t(y_s, x_s)} \left[\frac{d^s(y_t, x_t)}{d^s(y_s, x_s)} \times \frac{d^s(y_s, x_s)}{d^t(y_s, x_s)} \right]^{\frac{1}{2}} \quad [5]$$

در رابطه ۵ عبارت خارج از برآکت نشان دهنده تغییر در کارایی فنی در تولید محصول در فاصله زمانی s تا t و برابر با نسبت کارایی فنی در زمان t به کارایی فنی در زمان s است. عبارت داخل برآکت نشان دهنده تغییر تکنولوژی بین دو زمان فوق است.

برای محاسبه شاخص مالم کوئیست (MPI)

استفاده از نرم افزار SPSS.PC , EXCEL انجام گردید. شاخص مالم کوئیست با استفاده از نرم افزار DEAP.2 برآورد گردید(۹).

نتایج

در جدول ۱ نتایج برآورد رشد بهره‌وری کل، رشد کارایی و تغییرات تکنولوژی در زراعت پنبه در سطح استان‌های مختلف و کل کشور در سه دوره بیان شده است. انتخاب این دوره‌ها بر اساس تغییرات انجام شده در سیاست‌های بازرگانی و خرید پنبه بوده است. دوره اول(۱۳۶۲-۱۳۶۷) مصادف با کنترل شدید بازار پنبه از نظر قیمت و نحوه توزیع بوده که حاصل آن -۷۲- (۱۳۶۸) مصادف با پایان جنگ تحمیلی و آغاز سیاست‌های دوران سازندگی و حذف پاره‌ای محدودیتها در بازار پنبه است، که حاصل آن افزایش شدید قیمت پنبه و قرار گرفتن آن در سطح بالاتر از دوره قبل است. دوره سوم (۱۳۷۳-۸۰) مصادف با ابتدای دوران اعمال سیاست‌های جدید ارزی بوده که افزایش شدید قیمت داخلی پنبه را به دنبال داشت ضمن این‌که از سال ۱۳۷۴ به بعد نیز سیاست قیمت گذاری پنبه از حالت ثبیتی خارج شده و قیمت توافقی جایگزین آن گردید.

بر اساس جدول ۱ متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه کشور در طول دوره ۰/۸ درصد بوده است. این شاخص در دوره ۱۳۶۲-۶۷ سالانه ۶/۵ درصد، در دوره ۱۳۶۸-۷۲ ۰/۴ درصد و بعد از سال ۱۳۷۲ منفی بوده است. تجزیه رشد بهره‌وری کل به دو عامل رشد کارایی و تغییر در تکنولوژی نشان می‌دهد که در دوره اول رشد بهره‌وری عمدتاً ناشی از تغییر تکنولوژی است به طوری که در مقابل ۰/۳۶ درصد رشد کارایی، تغییر تکنولوژی سالانه ۶/۱ درصد بوده است. در دوره دوم متوسط رشد کارایی ۲/۹ درصد، ولی تغییر تکنولوژی منفی بوده است. در دوره سوم رشد کارایی و تغییر تکنولوژی منفی بوده اند ولی کاهش رشد در تکنولوژی بیشتر است. در کل دوره نیز رشد کارایی و تکنولوژی ناچیز و به طور متوسط سالانه به ترتیب ۰/۵ و ۰/۲ درصد بوده است. بر اساس نتایج فوق

(۸) و (۹) امین مشاهده از دوره t ام با شرایط تکنولوژی رایج و استفاده از داده‌های زمان s مقایسه می‌شود و بر عکس.

اگر K مشاهده در T دوره زمانی داشته باشیم باستی $K \times (3T-2)$ مدل LP برای محاسبه تغییرات TFP در این دوره حل شود (۹). با توجه به دوره ۱۹ ساله این تحقیق $= 440 - 2 \times 19 = 8 \times 19$ مدل جهت محاسبه شاخص مالم کوئیست در استان‌های مختلف توسط نرم افزار DEAP2 طراحی و حل گردیده است.

مدل مورد استفاده شامل یک نوع محصول (وش پنبه) و ۶ متغیر به شرح زیر می‌باشد.

t = میزان تولید وش پنبه در استان i ام در سال‌های s و t بر حسب تن

X_{1it} = سطح زیر کشت پنبه بر حسب هکتار در استان i ام در سال‌های s و t

X_{2it} = متوسط میزان بذر مصرف شده بر حسب کیلوگرم در هکتار در استان i ام در سال‌های s و t

X_{3it} = متوسط میزان مصرف کود شیمیایی بر حسب کیلوگرم در هکتار در استان i ام در سال‌های s و t

X_{4it} = ارزش نیروی کار مورد استفاده در هکتار به نرخ ثابت سال ۶۲ در استان i ام در سال‌های s و t

X_{5it} = ارزش ماشین آلات مورد استفاده در هکتار به نرخ ثابت سال ۶۲ در استان i ام در سال‌های s, t

X_{6it} = مقدار سم مصرف شده بر حسب کیلوگرم در هکتار در استان i ام در سال‌های s و t

رشد بهره‌وری کل عوامل تولید برای استان‌های گلستان، مازندران، خراسان، فارس، سمنان، مرکزی، کرمان و اصفهان به عنوان اصلی‌ترین مناطق تولید پنبه برآورد شده است. داده‌های مورد نیاز در مورد تولید، سطح زیر کشت و میزان نهاده‌های مصرف شده در تولید پنبه از سیستم هزینه تولید محصولات و قیمت داخلی پنبه و محصولات رقیب از محل اطلاعات منتشر شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی و مرکز آمار ایران اخذ شد، تجزیه و تحلیل اویله روی داده‌ها توسط نرم افزارهای

جدول ۱. میانگین رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، تغییرات کارایی فنی و تکنولوژی در زراعت پنه استان‌های مختلف ۸۰-۱۳۶۲

دوره زمانی	فارس	اصفهان	کرمان	مازندران	گلستان	خراسان	سمنان	مرکزی	کل کشور
۱۳۶۲-۱۳۶۷	۰/۹۵۴	۰/۹۸۹	۱/۰۷۲	۱/۰۵۷	۱/۱۳۶	۱/۰۳۹	۱/۰۴۶	۱/۰۷۱	۱/۰۶۵
۱۳۶۸-۱۳۷۲	۰/۹۳۰	۰/۹۱۰	۱/۱۳۸	۰/۹۷۰	۰/۷۶۳	۱/۱۷	۱/۰۳۴	۰/۹۸۴	۱/۰۰۴
۱۳۷۳-۱۳۸۰	۰/۹۸۷	۰/۹۰۹	۱/۰۰۹	۰/۹۳۲	۰/۹۰۹	۰/۹۸	۰/۹۹۵	۱/۰۲۷	۰/۹۷۵
۱۳۶۲-۱۳۸۰	۰/۹۶۲	۱/۰۲۷	۱/۰۶۲	۰/۹۸۸	۰/۹۷۶	۰/۹۲۱	۱/۰۴۷	۱/۰۲	۱/۰۰۸
۱۳۶۲-۶۷	۰/۹۵۳	۱/۰۵۸	۰/۹۴۹	۱/۰۱۳	۱	۱	۱/۰۱۷	۱/۰۴۴	۱/۰۰۳۶
۱۳۶۸-۷۲	۱/۱۳۱	۱/۰۱۰	۱/۱۰۵	۱/۰۰۰	۱	۱	۱/۰۴۲	۰/۹۵۶	۱/۰۲۹
۱۳۷۳-۸۰	۱	۱	۱/۰۰۹	۰/۹۲۵	۰/۹۹۹	۰/۹۹۳	۰/۹۹۳	۱/۰۱۱	۰/۹۹۲
۱۳۶۲-۸۰	۱/۰۲۱	۱/۰۱۹	۱/۰۱۷	۰/۹۷۰	۰/۹۹۹	۰/۹۰۵	۱/۰۱۳	۱/۰۰۴	۱/۰۰۵
۱۳۶۲-۶۷	۱/۱۷	۱/۰۱۳	۱/۰۴۱	۱/۰۴۴	۱/۰۳۹	۱/۰۲۹	۱/۰۲۶	۱/۰۶۱	۱/۰۶۱
۱۳۶۸-۷۲	۱/۰۰۶	۰/۹۹۹	۰/۹۲	۰/۹۶۹	۰/۷۶۳	۱/۱۷۵	۰/۹۹۲	۱/۰۳۰	۰/۹۷۶
۱۳۷۳-۸۰	۰/۹۸۷	۰/۹۰۹	۱/۰۰۹	۰/۹۵۹	۰/۹۰۹	۰/۹۷۹	۱/۰۰۲	۱/۰۱۶	۰/۹۸۳
۱۳۶۲-۸۰	۱/۰۴۰	۱/۰۰۷۷	۰/۹۷۰	۰/۹۰۶	۰/۹۲۱	۱/۰۴۷	۱/۰۰۷	۱/۰۲۲	۱/۰۰۲

مأخذ: نتایج تحقیق

در کل دوره و دو زیر دوره ۱۳۶۲-۶۷ و ۱۳۶۸-۷۲ سهم رشد کارایی در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بیشتر بوده است. ولی در دوره سوم رشد کارایی تقریباً صفر بوده و تکنولوژی نیز تنها ۰/۹۲ درصد رشد داشته است. در استان کرمان متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنه منفی بوده که ناشی از رشد منفی در تغییرات تکنولوژی است. در استان مازندران رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید منفی بوده ولی عامل آن متوسط رشد سالانه منفی کارایی فنی می‌باشد. ضمن این‌که یک روند نزولی در رشد کارایی در طی این سه دوره مشاهده می‌گردد. در استان گلستان متوسط رشد کارایی فنی در کل دوره صفر بود، و تغییرات در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید صرفاً ناشی از تغییرات در رشد تکنولوژی می‌باشد، که در

فرضیه سهم بیشتر رشد تکنولوژی در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنه کشور در دوره ۱۳۶۲-۶۷ پذیرفته و در دوره‌های ۱۳۷۶-۷۳ و ۱۳۷۳-۸۰ و کل دوره ۱۳۶۲-۸۰ رد می‌شود.

نتایج در استان‌های مختلف متفاوت است. به طوری که در استان فارس سهم سالانه تغییر تکنولوژی در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در کل دوره و دوره‌های اول و سوم بیشتر بوده است، ولی در دوره دوم تغییر تکنولوژی تقریباً ثابت بوده و رشد کارایی فنی موجب رشد بهره‌وری بوده است. بنابراین فرضیه بالاتر بودن سهم رشد تکنولوژی در رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در استان فارس در کل دوره و هم‌چنین زیر دوره‌های ۱۳۶۲-۶۷ و ۱۳۷۳-۸۰ رد نمی‌گردد. در استان اصفهان

تغییری در مدیریت آنان ایجاد نشده است. میانگین رشد تکنولوژی در کل دوره و برای کل کشور ناچیز و برابر $0/2\%$ درصد در سال برآورد شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تکنولوی مورد استفاده در تولید پنبه در دوره ۱۳۶۲-۸۰ تغییر چندانی نداشته است و هم چنان از شیوه‌های سنتی استفاده می‌شود. پنبه محصول کاربری است که ورود ماشین آلات در چرخه تولید آن موجب افزایش کارایی نیروی کار و کاهش هزینه تولید می‌شود با این وجود طی 20 سال گذشته از ورود ماشین آلات جدید در تولید پنبه خبری نبوده و ماشین آلاتی نظیر تراکتور، که دارای استفاده عمومی در مزرعه هستند، نیز با فرسودگی مواجه بوده‌اند. به نظر می‌رسد نتایج برآورد شده مربوط به نقش مثبت تکنولوژی در رشد بهره‌وری نیز عمدتاً ناشی از عوامل غیرقابل کنترل، مستتر در روند، باشد و همان‌گونه که فریدرس و همکاران^(۸) اشاره کرده‌اند برای افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید و نیز افزایش تولید بهبود سطح تکنولوژی ضروری می‌باشد.

نکته قابل توجه دیگر در جدول ۱ روند نزولی رشد بهره‌وری کل و اجزای آن در دوره ۱۳۷۳-۸۰ است. در این دوره که مصادف با کاهش سیاست‌های کترلی در بازار است، متوسط رشد بهره‌وری و اجزاء آن تقریباً در کلیه استان‌ها کمتر از دوره‌های دیگر بوده است. این موضوع می‌تواند ناشی از کاهش حمایت‌های نهادی از تولید پنبه باشد. از آغاز گسترش کشت پنبه در کشور، دولت همواره نقش متولی فنی آن را به عهده داشته است. این تولی‌گری شامل نظارت در تولید و تصفیه، انجام تحقیقات به نژادی و به زارعی، ارائه خدمات ترویجی و تهیه و توزیع نهاده‌ها بوده است. تا قبل از سال ۱۳۷۲ سازمان پنبه و دانه‌های روغنی به عنوان یک نهاد مستقل در مجموعه وزارت کشاورزی سابق وظایف فوق الذکر، به استثنای امور تحقیقاتی، را به عهده داشته است. این سازمان معمولاً در نقاط پنبه‌خیز دارای کارشناس بوده و شبکه فنی منظمی را در مجموع مناطق پنبه‌خیز ایجاد کرده بود. از سال ۷۲ با تبدیل این سازمان به اداره کل پنبه و قرار گرفتن آن در زیرمجموعه

دوره اول به طور متوسط سالانه 13% درصد رشد داشته و در دوره دیگر و نیز کل دوره متوسط سالانه رشد آن منفی بوده است. در استان خراسان، نیز به استثنای دوره ۱۳۷۴-۷۶ در سایر سال‌های دوره ۱۳۶۲-۸۰ رشد کارایی صفر درصد بوده و رشد بهره‌وری کل تنها ناشی از تغییرات تکنولوژی می‌باشد، که به استثنای دوره ۱۳۷۳-۸۰، رشد مثبت داشته است. در استان سمنان بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه طی دوره ۱۳۶۲-۸۰ به طور متوسط سالانه 2% درصد رشد داشته است. ضمن این‌که در دوره سوم رشد بطئی تکنولوژی نتوانسته رشد منفی کارایی را جبران کند و به همین دلیل بهره‌وری کل نیز از رشد سالانه منفی برخوردار شده است. در استان مرکزی متوسط رشد بهره‌وری در کل دوره مثبت و سهم تغییر تکنولوژی در آن بیشتر بوده است. در دوره ۱۳۶۸-۷۲، رشد کارایی منفی و رشد تکنولوژی مثبت بوده که در مجموع باعث کاهش $1/6$ درصدی بهره‌وری کل در این دوره شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده، متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنبه کشور در کل دوره ۱۳۶۲-۸۰ مثبت ولی کم ($0/8\%$ درصد در سال) بوده است. این رقم در استان‌های مختلف متفاوت است، به طوری که استان فارس بالاترین رقم را به میزان $6/2\%$ درصد در سال داشته و در استان‌های کرمان، مازندران و گلستان رشد منفی بوده است. در مقایسه بین رشد کارایی و رشد تکنولوژی، در کل دوره و برای کل کشور متوسط رشد کارایی فنی، بیشتر است. نکته حائز اهمیت، ثابت بودن کارایی فنی در استان‌های گلستان و خراسان به عنوان مهم‌ترین مناطق تولید پنبه است، این موضوع انجام مطالعات میدانی و مقطعی را در این زمینه لازم می‌نماید که آیا زارعین این مناطق از ابتدا از سطح کارایی فنی بالایی برخوردار بوده‌اند و افزایش تولید فقط از طریق به کارگیری نهاده‌های جدید میسر است؟ یا این‌که به دلیل ضعف در مدیریت تولید، زارعین در استفاده از نهاده‌ها بد عمل کرده و طی این دوره نیز

مزارع پنbe کشور است. لذا سرمایه‌گذاری برای بهبود وضعیت ماشین‌آلات و بذر اصلاح شده در مزارع پنbe توصیه می‌شود. در این ارتباط واردات ماشین‌آلات و بذر با نظر متخصصین مربوطه در کوتاه مدت می‌تواند مثمر ثمر باشد.

۳- پنbe از جمله محصولات زراعی است که مراقبت و نظارت بر آن در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت، در بروز پتانسیل‌های آن تأثیر زیادی دارد لذا تقویت برنامه‌های تحقیقاتی و خدماتی در تولید پنbe به منظور افزایش خدمات و حمایت‌های نهادی از تولیدکنندگان و جهت‌دهی تحقیقات به سمت ارقام پر پتانسیل توصیه می‌گردد.

۴- نتایج تحقیق حاکی از تفاوت در رشد بهره‌وری در استان‌های مختلف است، لذا در هرگونه برنامه ریزی برای بهبود وضعیت بهره‌وری پنbe، بایستی به شرایط منطقه‌ای توجه شده و از ارائه نسخه واحد برای کل کشور خودداری شود.

۵- وضعیت رشد بهره‌وری و اجزای آن، بهویژه رشد کارایی فنی، در استان‌های گلستان و خراسان، بدتر از سایر مناطق است. لذا انجام مطالعات تکمیلی برای یافتن علل این مسئله در دو استان فوق الذکر پیشنهاد می‌شود.

۶- اداره کل پنbe و دانه‌های روغنی در گذشته نقش مهمی در کنترل و نظارت بر تولید و توزیع پنbe داشته است، نتایج نشان داد که در دوره ۱۳۷۲-۸۰ با کاهش نقش این اداره در مزارع پنbe، شاخص رشد بهره‌وری وضعیت بدتری نسبت به قبل داشته است. لذا تقویت این اداره یا طراحی سیستم جدیدتری برای نظارت و حمایت فنی از مزارع پنbe توصیه می‌گردد.

معاونت زراعت کشاورزی، نقش آن در مزارع کمنگ تر شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در زراعت پنbe نیز از سال ۱۳۷۲ به بعد نسبت به دو دوره قبل از آن کاهش داشته است.

تجزیه رشد بهره‌وری به رشد کارایی فنی و تغییر تکنولوژی نشان داد که در زراعت پنbe هم از نظر مدیریت به کارگیری نهاده‌ها و هم از نظر استفاده از تکنولوژی، وضعیت رکود حاکم بوده است. آمارهای موجود در زمینه عملکرد و ش پنbe در واحد سطح، میزان به کارگیری ماشین‌آلات در مراحل مختلف تولید و عدم تغییر جدی در ارقام و ش مورد استفاده توسط زارعین، نتایج این تحقیق را تقویت می‌کنند.

وضعیت فوق نشان می‌دهد که با سرمایه‌گذاری برای انتقال تکنولوژی به مزارع پنbe و نیز بهبود سطح مدیریتی زارعین در به کارگیری نهاده‌ها، امکان افزایش محصول و یا کاهش هزینه در زراعت پنbe در ایران وجود دارد.

برای رسیدن به این هدف و با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱- مطالعات مختلف انجام گرفته در زمینه کارایی فنی کشاورزان نشان داده که میزان دانش فنی بر کارایی زارعین اثر مثبت دارد، لذا گسترش برنامه‌های ترویجی برای به کارگیری بهتر نهاده‌ها و در نتیجه افزایش کارایی فنی پنbe کاران توصیه می‌شود.

۲- نتایج تحقیق و آمارهای وزارت جهاد کشاورزی، حاکی از رکود در به کارگیری انواع تکنولوژی، بهویژه ماشین‌آلات، در

منابع مورد استفاده

۱. امامی میدی، ع. ۱۳۷۹. اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری (علمی و کاربردی). مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
۲. بی نام ۱۳۸۰. آمار نامه کشاورزی سال زراعی ۱۳۸۰-۸۱ انتشارات دفتر آمار و فن آوری اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
۳. حیدری، خ. ۱۳۷۸. بهره‌وری کل عوامل تولید گندم در استان مرکزی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه ۲۸: ۱۵۸-۱۳۷.
۴. سلامی، ح. ۱۳۷۶. مفاهیم و اندازه‌گیری بهره‌وری در کشاورزی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱۸: ۳۱-۷.
۵. سلامی، ح. و شاهنوشی، ن. ۱۳۷۹. مقایسه بهره‌وری در بخش‌های صنعت و کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن. مجموعه مقالات

- سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد اول، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. کوپاهی، م. و کاظم نژاد، م. ۱۳۷۵. محاسبه بهره‌وری عوامل تولید چای با استفاده از تابع تولید. مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد اول، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۷. فردوسی، ر. و یزدانی، س. ۱۳۷۶. تحلیل عوامل مؤثر بر عرضه پنبه در گرگان و گنبد. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱۸: ۹۵-۱۰۴.
۸. فریاد رس، و.، چیدری، ا. ح.، و مرادی، ا. ۱۳۸۱. اندازه‌گیری و مقایسه کارایی پنبه کاران ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه ۴۰: ۸۹-۱۰۲.
۹. مهرابی بشرآبادی، ح. و موسی نژاد، م. ق. ۱۳۷۵. بررسی بهره‌وری عوامل تولید پسته در شهرستان رفسنجان. مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد اول، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
10. Coelli, T. J. 1996. A guide to DEAP Version 2.1:A data envelopment analysis (computer) program, CEPA Working paper 8/96, University of New England, Armidale, Australia.
11. Colby, H., X. Diao and A. Somwaru 2000. Cross-commodity analysis of china's grain sector: sources of growth and supply response. U.s. Departement of Agricultur: Economic Research Service, Market and Trade Economics Division, Technical Bulletin No. 1884.
12. Fan, Sh. 1991. Effects of technological change and institutional reform on production growth in Chinese agriculture. Amer. J. Agric. Econom. 73:266-75.
13. Fare, R., S. Grosskopf, B. Lindgren and P. Roos. 1992. Productivity changes in Swedish pharmacies 1980-1989: A non parametric Malmquist approach. Journal of Productvity Analysis, 3:81-97.
14. Fare, R., S. Grosskopf, M. Norris and Z. Zhang. 1994. Productivity growth, technical progress and efficiency change in industrialized countries. Amer. Econ. Rev. 84: 66-83.
15. Kraschat. W. 2002. Deforestation and productivity growth in Thai agriculture. International symposium sustaing food security and managing natural resources in southeast Asia, Challenges for the 21st. Century, january 8-11, 2002,at chiang mai, Thailand.
16. Lall, P., A.M. Featherstone and D.W. Norman. 2002. Productivity growth in the Western Hemisphere (1978-94) : The Caribbean in Perspective. J. Prod. Anal. 18: 213-231.
17. Nghiem, H. S. and T. Coelli. 2001. The effect of incentive reforms upon productivity: Evidence from the Vietnamese rice industry.CEPA Working papers, 3/2001, School of Economic Studies, University of New England, Armidale, Australia.
18. Rao, D. S. P. and T. Coelli. 1998. Catch-up and convergence in global agricultural Productivity 1980- 1995. GEPA Working papers, 498, Department of Econometrics, University of New England , Armidale, Australia.
19. Shepherd, R. W. 1970. Theory of cost and Production Function. Princeton Univ. Press., USA.
20. Timmer, M. P. and B. Los. 2003. Localized innovation and Productivity Growth in Asia : An intertemporal DEA approch, Groningen Growth and Development Center and SOM Research School University of Groningen, The Netherland.